

گذارها به دموکراسی

تاریخچه‌ی پنجاه سال نظریه‌های دموکراسی‌سازی

حسن قاضی‌مرادی



نشر اختران

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۵	فصل نخست: در معنای دموکراسی‌سازی
۱۵	۱-۱- مفهوم گذار
۱۷	۲-۱- اقتدارگرایی
۲۳	۳-۱- دموکراسی
۳۹	۴-۱- دموکراسی‌سازی
۴۵	۵-۱- نظریه‌های دموکراسی‌سازی
۵۳	فصل دوم: نظریه‌های دموکراسی‌سازی (۱) - نظریه‌های ساختارمحور
۵۴	۱-۲- نظریه‌ی نوسازی
	مارتین لیپیت
۷۲	۱-۱-۲- تحول بعدی نظریه‌ی نوسازی
	لری دایموند
۸۹	۲-۲- نظریه‌ی ساختار اجتماعی (طبقاتی)
	برینگتون مور
۱۰۵	۱-۲-۲- تحول بعدی نظریه‌ی ساختار اجتماعی (طبقاتی)
	گوران ژربورن
۱۱۹	۳-۲- نظریه‌ی فرهنگی
	گابریل آلموند و سیدنی وربا
۱۳۴	۱-۳-۲- تحولات بعدی نظریه‌ی فرهنگی
	رونالد اینگلهارت
۱۴۱	فصل سوم: نظریه‌های دموکراسی‌سازی (۲) - نظریه‌های عاملیت‌محور
۱۴۲	۱-۳- نظریه‌ی کنشگری
	دانکوارت روستو

۱۶۷	۱-۱-۳- تحولات بعدی نظریه‌ی کنشگری فیلیپ اشمیتر و گیلرمو او دائل
۱۹۱	جان هیگلی و میکائیل برتون
۲۰۴	مغالطه‌ی انتخابات‌گرایی
۲۱۳	فصل چهارم: نظریه‌های دموکراسی‌سازی (۳) - نظریه‌های جامع
۲۲۴	۱-۴- نظریه‌ی جامع دموکراسی‌سازی با تأکید بر توسعه‌ی اقتصادی ساموئل هانتینگتون
۲۴۷	۲-۴- نظریه‌ی جامع دموکراسی‌سازی با تأکید بر ساختار اجتماعی (طبقه‌بندی) دیتریش روشمایر، اولین استفنز و جان استفنز
۲۶۹	۳-۴- نظریه‌ی جامع دموکراسی‌سازی با تأکید بر نخبگان سیاسی خوان لینز و آلفرد استپان
۲۹۱	پی‌گفتار: دموکراسی‌سازی و جامعه‌ی مدنی
۳۰۲	گذار و جامعه‌ی مدنی گریم گیل
۳۲۱	منابع فارسی
۳۲۳	منابع انگلیسی
۳۲۹	نمایه

پیش‌گفتار

جهان از موقعیتی که در آن دموکراسی استثنایی مؤید قاعده بود به اکنونی فرازآمده که دموکراسی قاعده است. در جهان کنونی و در عرصه‌ی سیاست، «گذار به دموکراسی» مهم‌ترین دغدغه‌ی مردمان هرچه بیشتری می‌شود. این پرسش که «جوامع چگونه دموکراتیک می‌شوند؟» یعنی «گذار از حکومت غیردموکراتیک به حکومت دموکراتیک چگونه ممکن است؟» مهم‌ترین پرسشی است که مردم هر جامعه‌ای - حتا در دوره‌های افول جنبش‌های دموکراسی - خواهی - می‌کشند به آن پاسخ دهند و به آن پاسخ می‌دهند:

- بسیاری می‌گویند: برای اینکه دموکراسی در جامعه‌ای حاکم شود اول باید فرهنگ جامعه تغییر کند. برای دموکراسی، فرهنگ دموکراتیک لازم است. چون اگر مردم فرهنگ و آموزش دموکراتیک نداشته باشند اصلاً دموکراسی را نمی‌شناسند چه رسد به اینکه آن را بخواهند. اگر هم به آنها آزادی داده شود یا خودشان آزادی کسب کنند چون فرهنگ‌اش را ندارند آن را به دیکتاتوری می‌کشاند.

- دیگران بسیاری می‌گویند: تا جامعه از نظر اقتصادی رشد نکند، از نظر علمی رشد نکند یعنی جامعه‌ای صنعتی نشود یا فرهنگ و روابط شهرنشینی توسعه نیابد و مردم از فقر خلاص نشوند محال است به دموکراسی برسند. در یک جامعه‌ی صنعتی با روابط شهری و گسترش علم و بالا رفتن ثروت، مردم چه بخواهند و چه نخواهند به سوی دموکراسی کشیده می‌شوند. استبداد و دیکتاتوری، همه‌اش، نتیجه‌ی فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی است.

- بسیاری بر این باورند: درست است که بشر از دوره‌های قدیم دنبال دموکراسی بوده اما این دموکراسی که وجود دارد محصول جامعه‌ی مدرن و

اقتصاد سرمایه‌داری است. اگر این مناسبات سرمایه‌داری نباشد یعنی اگر طبقه‌ی بورژوا و طبقه‌ی کارگر نباشند اصلاً زمینه‌ی مبارزه برای دموکراسی وجود ندارد. در مناسبات فنودالی با طبقه‌ی زمین‌دار و کشاورز که نمی‌شود دموکراسی ساخت. اما در مناسبات سرمایه‌داری قشرهای متوسط رشد می‌کنند و اینها همراه با کارگران و همه‌ی فرودستان برای رسیدن به دموکراسی علیه طبقات بهره‌کش دست به مبارزه می‌زنند.

— چه بسیار که معتقدند: فقر اقتصادی و عقب‌ماندگی فرهنگی اصلاً مانع مبارزه‌ی مردم برای رسیدن به دموکراسی نیست. دموکراسی وقتی به دست می‌آید که مردمی باشند که واقعاً آن را بخواهند و برای تحقق آن دست به عمل و مبارزه بزنند. اینها فقیر باشند یا ثروتمند، تحصیل‌کرده باشند یا کم‌سواد، چندان فرقی نمی‌کند. کافی است که نخبگان سیاسی واقعاً دموکراسی را بخواهند و مردم را برای رسیدن به آن بسیج کنند. دموکراسی قابل دسترس است، باید آن را خواست و مستقر کرد.

— و هستند بسیاری که می‌پذیرند هرگز یک عامل اصلی — اقتصادی باشد یا اجتماعی یا فرهنگی یا اینکه انتخاب عوامل سیاسی باشد — به‌تنهایی موجب دموکراسی نمی‌شود. دموکراسی نتیجه‌ی عوامل گوناگونی است و وقتی این عوامل ایجاد شوند در بزنگاه‌های تاریخی تحقق می‌یابد.

این نظرات در پاسخ به پرسش «چگونه جوامع دموکراتیک می‌شوند؟» هریک، دانسته یا نادانسته، به یکی از نظریه‌هایی اشاره دارند که به چگونگی گذار به دموکراسی می‌پردازند؛ آنچه «نظریه‌های دموکراسی‌سازی» خوانده می‌شود. «گذار به دموکراسی» و «نظریه‌های دموکراسی‌سازی» مهم‌ترین موضوع جامعه‌شناسی سیاسی در عصر کنونی است. در این عصر «خیال» دموکراسی — سازی توده‌های هرچه گسترده‌تری را فرامی‌گیرد.

در اولویت بودن «گذار به دموکراسی» و «نظریه‌های دموکراسی‌سازی» در عرصه‌ی سیاست برآمد تحولات سیاسی — اجتماعی در سده‌های نوزدهم و

بیستم بود و این‌که، به‌ویژه، پس از جنگ جهانی دوم جنبش دموکراسی‌سازی در جهان شتاب گرفت و پاسخ بخش عظیمی از مردمان جوامع گوناگون در شرق و غرب جهان به امپریالیسم، هژمونی طلبی و جنگ، دموکراسی‌خواهی و دموکراسی‌سازی بود. پس از جنگ، به‌ویژه، در کشورهای تحت سلطه‌ی امپریالیسم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین جنبش‌های ملی با دو آرمان استقلال و آزادی — که مشخصه‌های اصلی دموکراسی‌خواهی و دموکراسی‌سازی در آن دوره بودند — شکل گرفتند و به پیروزی‌هایی دست یافتند. این جنبش‌ها در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گسترده شدند. جنبش ملی ایران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ با دو آرمان آزادی و استقلال از نخستین و برجسته‌ترین این جنبش‌ها بود که دومین روند دموکراسی‌سازی در تاریخ معاصر ایران دانسته می‌شود.

پیش از جنگ جهانی دوم، دموکراسی — در روایت دموکراسی انتخابی — در برخی از جوامع غربی مستقر شده بود. اما گسترش جنبش‌های دموکراسی — خواهی در جهان تدوین نظریه‌های دموکراسی‌سازی — نظریه‌های معطوف به روندهای گذار از نظام‌های غیردموکراتیک به دموکراتیک — را با هدف «نظارت» و «هدایت» موفقیت‌آمیز این جنبش‌ها الزامی می‌کرد. نخستین نظریه‌ی دموکراسی‌سازی در سال ۱۹۵۹ ارائه شد.

با شروع موج جدید جنبش‌های دموکراسی‌خواهی از سال ۱۹۷۴ — که در اروپا (پرتغال، اسپانیا، یونان) شروع شد و سپس در دیگر مناطق جهان اوج گرفت — تلاش برای تبیین نظری این جنبش‌ها تا پایان سده‌ی بیستم و بعدتر به تدوین نظریه‌های دموکراسی‌سازی جامع‌تر و عام‌تری انجامید.

این کتاب گزارشی انتقادی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه‌های دموکراسی‌سازی در حدوداً نیم سده‌ی اخیر است. نظریه‌های دموکراسی‌سازی، به تقریب، در سه مرحله تدوین شدند. در عین حال، هریک از این نظریه‌ها در مراحل بعد بازنگری شده و صورت‌های کامل‌تری از آنها تدوین می‌شد:

۱- در مرحله‌ی نخست — اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و دهه‌ی ۱۹۶۰ — نظریه‌های